

استقلال و آزادی؛ هدف اساسی نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی

دکتر محسن اسماعیلی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و معاون راهبردی رئیس جمهور



یکی از نکته‌های بسیار اساسی در مکتب فکری آیت الله میرزا محمدحسین نایینی که در کتاب «تنبیه الأُمَّة و تنزیه المَلَّة» به آن پرداخته، مبانی قرآنی و انسان‌شناسانه برای نهضت مشروطیت است. نایینی، نادیده گرفتن حقوق شهروندان، محروم‌سازی آنان از آزادی‌های مشروع و در حقیقت، به اسارت بردن مردم را ویژگی حکومت‌های طاغوتی می‌داند که از نظر قرآن پذیرفتنی نیست و انسان نمی‌تواند و نباید تسلیم آن شود؛ زیرا هم با توحید در تضاد است و هم با کرامت انسان.

او برای مثال، به آیه‌ای از قرآن کریم استناد می‌کند که دربردارنده گفت‌وگوی حضرت موسی (ع) و فرعون است. خداوند به آن حضرت و برادرش مأموریت داد که: «خود را به فرعون برسانید و بگویید: یقیناً ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. بنابراین، بنی اسرائیل را [آزاد کن و] با ما بفرست.» یعنی، اولین هدف قیام موسی (ع) آزادی مردم بود؛ چنانکه در آیه دیگری آمده است: «که [موسی به آنان گفت: بندگان خدا را که به بردگی و اسارت شما گرفتارند] به من واگذارید؛ زیرا من برای شما فرستاده‌ای امینم!»

اما فرعون متکبر بر او منت نهاد که ما کودکان بنی اسرائیل را می‌کشیم و تو در میان آنان سالم ماندی. در کودکی در خانه ما بزرگ شدی و سالیان متمادی کنار سفره ما زندگی کردی و در جوانی هم از مهاجری که شهروند درجه دوم و در حقیقت، برده ما قبطیان اصیل مصر بود دفاع کردی. اکنون ادعای پیامبری و آزادی‌خواهی نیز داری؟

موسی (ع) با تعجب و انکار پاسخ داد: آنچه لطف و نعمت می‌شماری و مرا به خاطر ناسپاسی از آن سرزنش می‌کنی، ناشی از سلطه ظالمانه‌ای است که بر بنی اسرائیل داشتی و با سلب حقوق و آزادی‌ها، آنان را به بردگی گرفته بودی:

«تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ آیا اینکه بنی اسرائیل را به بردگی گرفته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟

همان‌گونه که آشکار است، از نظر موسای کلیم(ع) فرعون مردم را «عبد» و مطیع محض خویش می‌خواست؛ در حالی که خالق آنان چنین چیزی را نمی‌پسندید و پیامبرش را مأمور آن انقلاب آزادیبخش ساخت.

جالب آنکه فرعون و درباریان‌ش نه تنها در برابر این اتهام دفاع نکردند، بلکه به زبان خویش اعتراف می‌کردند که «قوم موسی و هارون (بنی اسرائیل) بنده و برده ما هستند» و «ما بر [حقوق و سرنوشت] آنان سلطه داریم!» به تعبیر نایینی: «در آیه مبارکه دیگر از لسان قوم فرعون می‌فرماید: وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ. از آیه مبارکه دیگر هم که از لسان آنان می‌فرماید: وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ، ظاهر است عبودیت اسرائیلیان عبارت از همین مقهوریتی است که بدان گرفتار بودند».

از این آیات و دیگر نمونه‌ها از کتاب و سنت معلوم می‌شود اساس همه نهضت‌های الهی، از ابتدا تا انتها که منجر به حکومت عدل مهدوی(عج) می‌شود، **دفاع از حقوق و آزادی‌های انسان است که خود به دفاع از توحید بازمی‌گردد**. شیوه فرعون اختصاصی به او نداشت، چنانکه هدف موسی(ع) منحصر به وی نبود. همه فرعونیان چنان بوده‌اند و همه رهبران الهی چنین، و بشر در همه تاریخ باید از این داستان‌های پندآموز قرآن درس بگیرد.

امام علی(ع) در خطبه معروف به «قاصعه» به همین جریان چنین اشاره کرده است: «فرعونیان، آنها را به بندگی گرفتند و بدترین شکنجه‌ها را بر آنان روا داشتند و داغ‌ها به آنان چشانند و پیوسته خوار و مقهور بودند. نه چاره‌ای برای سرپیچی داشتند، و نه راهی برای دفاع می‌یافتند.»

سپس این قصه را نمونه‌ای از یک قاعده کلی دانسته و توصیه فرموده است که: «از سرنوشت فرزندان اسماعیل و اسحاق و اولاد اسرائیل، عبرت بگیرید، که چه بسیار متناسب‌اند سرگذشت‌ها، و چه شبیه و نزدیک‌اند داستان‌ها! در سرگذشت آنان و چگونگی پراکندگی و جدایی‌شان از یکدیگر، اندیشه نمایید، در شب‌هایی که کسری‌ها (پادشاهان عجم) و قیصرها (پادشاهان روم)، سرور آنان بودند. آنها را از کشتزارها و دریای عراق و سبزه‌زار جهان، به جاهایی راندند که درمّنه می‌روید و بادهای تند می‌وزید و زندگانی، سخت بود.

پس، آنان را درویش و مستمند و بادیه‌نشین و چراننده شتران پشت ریش، رها کردند، در حالی که خوارترین امت‌ها از جهت جایگاه، و بدبخت‌ترین آنان از جهت آسایشگاه بودند. [آنان] به زیر بار مهتری گرد نمی‌آمدند که به آن پناه برند، و به زیر سایه الفتی نمی‌رفتند که بر عزت آن، تکیه کنند. پس با حالات نگران و دست‌های پراکنده مختلف و

جمع پریشان، در رنج و نادانی به سر می‌بردند. پس به فرود آمدن نعمت‌های خداوند بر آنها - هنگامی که بر آنان پیامبری فرستاد و آنها را فرمانبر شریعت او گردانید و آنان را بر دعوت او با هم مهربان ساخت - بنگرید که چگونه نعمت [و آسایش]، بال بزرگواری خود را به روی آنها گسترده و نهرهای نعمت را برای آنان روان کرد و شریعت [او] آنها را در سودهای پربرکت خود گرد آورد؛ پس، غرق نعمت او شدند و از خرمی زندگانی، خشنود گردیدند. زندگانی آنان، در سایه دولتی نیرومند، برقرار شد و نیکویی حالشان آنان را به عزت رسانید و کارها برایشان در سایه دولتی استوار، آسان گردید. پس آنان، فرمان‌دهنده جهانیان و حاکم اطراف زمین شدند. بر کسانی که بر آنها تسلط داشتند، مسلط گشتند و بر کسانی که فرمانده بودند، فرمان می‌راندند. نه نیزه‌شان می‌شکست و نه سنگ سختشان خرد می‌شد.» (یعنی: کسی نمی‌توانست به آنان آسیبی برساند).

نابینی، چنین بینشی را از مبانی گرایش به نهضت مشروطیت اعلام کرده است و این همان چیزی است که در انقلاب اسلامی ایران نیز صادق است. پهلوی‌ها به همان اندازه که در برابر بیگانگان خوار و سرسپرده بودند، در مقابل مردم تکبر و سرکشی می‌ورزیدند. حقوق ملت را قربانی زیاده‌خواهی‌های خود و اربابانشان می‌کردند؛ تا اینکه مردم به رهبری امام خمینی (ره) که به نام و سیرت «موسوی» بود از عبودیت طاغوت رها شدند و به عزت استقلال و آزادی رسیدند. بدیهی است که مستکبران سلطه‌طلب هیچ‌گاه از دسیسه و دشمنی با این مرز و بوم و با این مردم خوب دست برنخواهند داشت، اما «دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست»

در آستانه آغاز جشن‌های دهه فجر و با گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، خدا را سپاس گفته، در انتظار روزی هستیم که با ظهور امام موعود (عج) همه ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها از صحنه گیتی زدوده شود: «خدایا! ما از تو خواهان دولت کریمی هستیم که به یمن آن، اسلام و مسلمانان [و عموم بشریت حق طلب] را سربلندی بخشی و نفاق و منافقان را خوار سازی، و ما را در آن دولت، از زمره دعوت‌کنندگان به سوی اطاعت و راهبران به راه خود قرار دهی و در سایه آن، کرامت دنیا و آخرت را روزی ما سازی».

ماخذ: روزنامه ایران، ۱۱ بهمن ۱۴۰۴

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲